

درآمدی بر ادبیات شناسی

محمود فتوحی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۶ (چاپ اول)، ۲۱۸ صفحه.

دکتر فرزاد بالو^۱

۱. معرفی و توصیف اثر و ارزیابی شکلی آن

۱-۱- ویژگی‌های فنی اثر

کتاب *درآمدی بر ادبیات شناسی* تألیف دکتر محمود فتوحی و ناشر آن پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است که در دی ۱۳۹۶ در ۲۱۸ صفحه در تهران به چاپ رسیده است. ساختار کتاب *درآمدی بر ادبیات شناسی* در فصل‌های شش‌گانه به شرح ذیل است:

۱. صد سال ادبیات‌شناسی در ایران ۲۵
۲. رشته ادبیات فارسی در ترازوی نقد ۵۵
۳. از علم‌الادب به سوی ادبیات‌شناسی ۷۱
۴. پژوهش در ادبیات ۱۱۱
۵. فرایندهای حرفه‌ای در پژوهش ادبی ۱۳۷
۶. کاربران دستاورد پژوهش‌های ادبی ۱۷۷
- انجام سخن ۱۹۷

^۱ استادیار دانشگاه مازندران. farzad_baloo@yahoo.com

مطالب شش فصل کتاب به این قرار است: فصل‌های اول و دوم از چشم‌انداز تاریخی، برآمدن ادبیات فارسی در دانشگاه و روند تاریخی شکل‌گیری نهاد مستقر ادبی در ایران را به بحث می‌گذارد و سیر تطور آن را تا به امروز بررسی می‌کند. بسیاری از تلقی‌های جاافتاده و مُتصلّب درباره ادبیات، متن، شرح، تفسیر، شناخت و کارکرد این مفاهیم، در دوران آغازین شکل‌گیری همین نهاد، رقم خورده و تا امروز پا برجاست؛ فصل دوم مبانی نظری و روش‌شناختی رشته ادبیات فارسی را به نقد گرفته است و برخی کاستی‌ها را نشان داده است. این کاستی‌ها از منظر نگرش‌های انتقادی نوین مطرح است. بخش عمده مطالب این دو فصل طی دو شماره مجله بخارا (شماره‌های ۹۳ و ۱۲۰) منتشر شده است؛ فصل سوم می‌کوشد ادبیات و ارزش‌هایش را بر مبنای نگرشی همسو با مقتضیات روزگار ما بازتعریف کند، چیستی ادبیات از منظرهای مختلف، ارزش ادبیات، فعالیت‌های چهارگانه «آفرینش، خوانش، آموزش، پژوهش» که در گفتمان‌های ادبی صورت می‌گیرد و نسبت دانشگاه با این کنش‌های چهارگانه، موضوع اصلی این فصل است. این فصل تلاش دارد تا هویت و مرزهای ادبیات‌شناسی را به مثابه یک رشته دانشگاهی تبیین کند. برای این کار حدود و ثغور دو مأموریت این رشته یعنی آموزش و پژوهش را مشخص کرده است؛ فصل چهارم از پژوهش ادبی، قلمروها و شاخه‌های آن بحث می‌کند و با طراحی الگویی با سه اصل نظام بخش (شامل کانون شناخت، هنجار، حرکت) روشی برای دستیابی به یک معرفت منسجم درباره موضوعات و مفاهیم ادبی پیشنهاد کرده است. در پایان فصل، از ماهیت ذوق ادبی و نسبت آن با پژوهش ادبی سخن رفته است؛ فصل پنجم به فرایندهای حرفه‌ای در پژوهش ادبی اختصاص دارد. نه کار ویژه تخصصی که در مجموعه تحقیقات

ادبی انجام می‌گیرد با عنوان کار حرفه‌ای محققان ادبی، معرفی شده و برای هر تخصص، کانون شناخت، کارویژه، مأموریت و مواضع کاربری دستاوردها تعیین شده است؛ در فصل پایانی از راهکار گسترش قلمروهای موضوعی رشته بهره‌جسته و با طرح مطالعات میان‌رشته‌ای آن را به رشته‌های دیگر نزدیک ساخته است. این فصل شکل بهره‌بری از دستاورد پژوهش‌های ادبی را در سه حوزه: (۱) خود رشته تخصصی (۲) دانش‌های دیگر علوم انسانی (۳) فرهنگ عمومی تبیین کرده و نسبت میان نتایج ادبیات‌شناسی با آن سه قلمرو را نشان می‌دهد.

هدف کتاب، بیش از آنکه تحصیل ساختاری برای رشته ادبیات فارسی باشد، برانگیختن اذهان صاحب‌نظران به تأمل درباره هویت، نقش و بقای این رشته است. ممکن است بگویند اکنون که نگاه‌ها همه معطوف به مطالعات میان‌رشته‌ای در جوامع دانشگاهی است این پافشاری بر تحدید کار حرفه‌ای در یک رشته، وجهی ندارد اما می‌دانیم که رشته ادبیات فارسی با آنکه به‌طور سنتی با بیشتر قلمروهای علوم قدیم، تداخل و تساهم داشته اما تا کنون دامنه کار تخصصی خود را به دقت تعریف و تحدید نکرده است. این کتاب، نخستین گام برای تبیین حدود و ماهیت دانش ادبیات‌شناسی است. مقدمه کار میان‌رشته‌ای، آگاهی از حدود دانش و روش‌های هر رشته است. هم متخصص ادبیات‌شناس باید درک روشنی از تخصص خویش داشته باشد، هم پژوهشگری که از رشته دیگری برای همکاری میان رشته‌ای به جانب ادبیات می‌آید نیازمند آگاهی از فرایندها و روش‌های مطالعات ادبی و زوایا و خبایای دانش ادبیات‌شناسی است.